

## ساخت‌های تعجبی در زبان فارسی

فرزانه تاج‌آبادی<sup>۱\*</sup>، ارسلان گل‌فام<sup>۲</sup>، بهروز محمودی بختیاری<sup>۳</sup>

۱. دانشجوی دکتری زبان‌شناسی همگانی، دانشگاه تربیت مدرس، تهران، ایران

۲. دانشیار زبان‌شناسی همگانی، دانشگاه تربیت مدرس، تهران، ایران

۳. دانشیار هنرهای نمایشی، پردیس هنرهای زیبای دانشگاه تهران، تهران، ایران

دریافت: ۹۱/۵/۲۲

پذیرش: ۹۱/۹/۱۱

### چکیده

یکی از مباحث مهم در زبان‌شناسی، بررسی ساختار و خصوصیات انواع جمله‌های موجود در زبان و تعیین تفاوت‌ها و شباهت‌های آن‌ها با یکدیگر است. هدف مقاله حاضر نیز پرداختن به جمله‌های تعجبی زبان فارسی از دیدگاه زبان‌شناسی و ارائه داده‌های جدیدی از زبان فارسی است که ضرورت توصیف این‌گونه جمله‌ها را توجیه می‌کند و اساس درک ماهیت جمله‌های تعجبی را وسعت می‌بخشد. در این تحقیق تلاش می‌شود تا در چارچوب رویکرد زانوتینی و پورتنر (2003) به این پرسش‌ها پاسخ داده شود: الف. ساختار جمله‌های تعجبی در زبان فارسی چگونه است؟ ب. نقش معنایی و کاربردشناختی این‌گونه جمله‌ها چیست؟ ج. تفاوت این جمله‌ها با جمله‌های پرسشی خبری چیست؟ د. عنصر نفی در این ساختارها چه جایگاهی دارد؟ داده‌های این تحقیق به‌شیوه پیکره‌بنیاد گردآوری و به‌روش توصیفی-تحلیلی بررسی شده است. نتایج حاکی از این است که در زبان فارسی، تعجبی‌های خبری و تعجبی‌های پرسش‌واژه‌ای دو نوع اصلی جمله‌های تعجبی را تشکیل می‌دهند که تمایز میان آن‌ها با بررسی ویژگی‌های معنایی، کاربردشناختی، آکوستیکی و نحوی این جمله‌ها و همچنین مقایسه رفتار آن‌ها در رابطه با فرایند منفی‌سازی و ساخت‌های مقایسه‌ای امکان‌پذیر است.

واژه‌های کلیدی: جمله‌های تعجبی، تعجبی خبری، تعجبی پرسش‌واژه‌ای، عنصر نفی، زبان فارسی.

### ۱. مقدمه

در توصیف‌های دستوری سنتی و از دیدگاه جهانی‌های زبانی، سه نوع جمله اصلی خبری، امری و

پرسشی وجود دارد. علاوه بر این موارد مشخص، جمله‌های دیگری مانند جمله‌های تعجبی وجود دارد که در مقایسه با سه نوع جمله اصلی، در زبان‌های مختلف کمتر به آن‌ها پرداخته شده و شاهد این ادعا، مطالب مختصری است که در این زمینه وجود دارد. در مقاله حاضر کوشش می‌شود با ارائه داده‌های مناسبی از زبان فارسی، از تعریف‌های سنتی و دستوری فاصله گرفته و ماهیت جمله‌های تعجبی در زبان فارسی از دیدگاه زبان‌شناسی به‌درستی تبیین شود. مطالعه جمله‌های تعجبی وجوه شباهت و تفاوت این جمله‌ها را با سه نوع جمله اصلی به‌خوبی مشخص می‌کند. پرسش‌های تحقیق عبارت‌اند از: الف. ساختار جملات تعجبی در زبان فارسی چگونه است؟ ب. نقش معنایی و کاربردشناختی این‌گونه جملات چیست؟ ج. تفاوت این جمله‌ها با جملات پرسشی و خبری چیست؟ د. عنصر نفی در این ساختارها چه جایگاهی دارد؟ تحقیق حاضر دو مرحله دارد: در مرحله اول پس از تعریف جمله‌های تعجبی و مرور مطالعات پیشین، انواع مختلف ساختارهای تعجبی را معرفی کرده و این ساختارها را از دیدگاه معنایی، کاربردشناختی و آواشناختی مورد بحث قرار داده و در ادامه، برای تمایز میان این جمله‌ها از جمله‌های دیگر زبان فارسی آزمون‌هایی را انجام داده‌ایم. در مرحله دوم، نخست به موضوع منفی‌سازی یا وجود عنصر نفی در این جمله‌ها پرداخته‌ایم. هدف از این کار این بوده تا نشان دهیم آیا تعامل میان ویژگی‌های معنایی جملات تعجبی و عملگر نفی قادر است برای توزیع استاندارد عنصر نفی در جملات تعجبی توضیح مناسبی بدهد. در ادامه، به مقایسه ساختار جملات تعجبی با ساختارهای مقایسه‌ای پرداخته‌ایم.

## ۲. روش تحقیق

داده‌های تحقیق حاضر به‌شیوه پیکره‌بنیاد گردآوری شده است. بدین منظور، پیکره زبانی بی‌جن‌خان را به‌کار بردیم. علاوه بر جملات تعجبی ساده، دو واژه «چه» و «چقدر» را نیز در این پیکره جست‌وجو کردیم. نتایج این جست‌وجو حدود ۱۰هزار جمله بود (۲۰۰۰ جمله ساده تعجبی، ۵۵۰۰ داده با واژه «چه» و ۲۵۰۰ داده با واژه «چقدر») که از میان آن‌ها ۲۵۰۰ جمله یا عبارت تعجبی را استخراج کردیم. سپس ساختار این جمله‌ها را بررسی و ویژگی‌های ساختاری، معناشناختی و آکوستیکی آن‌ها را مشخص کردیم.

### ۳. پیشینه تحقیق

با وجود مطالعات گسترده دستورنویسان و زبان‌شناسان درباره انواع جمله‌ها و جملات زبانی در زبان‌های مختلف، جمله‌های تعجبی تا حد بسیار زیادی مورد بی‌توجهی قرار گرفته‌اند و فقط در چند سال اخیر تاحدی به آن‌ها پرداخته شده است. تحقیقات موجود نیز بیشتر بر جنبه معنایی و نحوی این‌گونه جمله‌ها متمرکز است. از جمله این تحقیقات عبارت‌اند از: میلنر<sup>۱</sup> (1978)، جراردنیف<sup>۲</sup> (1980) و اوینور<sup>۳</sup> (1994) (فرانسه)، باسک<sup>۴</sup> (۱۹۸۴) (اسپانیایی)، ردفورد<sup>۵</sup> (1982) و بنینکا<sup>۶</sup> (۱۹۸۸) (ایتالیایی)، زانوتینی و پورتنر<sup>۷</sup> (2000 و 2003)، کاستروویومیرو<sup>۸</sup> (2006، 2007 و 2008) و رت<sup>۹</sup> (2008 و 2011) (انگلیسی) و غیره. بررسی پیشینه تحقیق نشان می‌دهد در زبان فارسی تاکنون هیچ تحقیقی درباره جمله‌های تعجبی انجام نشده و فقط در برخی کتاب‌های دستوری سنتی هنگام معرفی انواع جملات، در یکی دو سطر تعریف آن‌ها آمده است.

### ۴. جمله‌های تعجبی

#### ۴-۱. تعریف جمله‌های تعجبی

در دستور سنتی، عبارت‌های تعجبی به هرگونه پاره‌گفتار احساسی گفته می‌شود که معمولاً فاقد ساختار دستوری جمله کامل است و با آهنگ قوی نشان‌دار می‌شود (Crystal, 2008: 177). متیوس<sup>۱۰</sup> برای عبارت‌های تعجبی دو تعریف خرد و کلان بیان می‌کند:

یک عبارت تعجبی (در تعریف کلان) عبارت است از هر پاره‌گفتاری که احساس گوینده را بیان کند و در تعریف خرد، عبارت است از یک نوع جمله خاص که برای بیان یک موقعیت احساسی قوی به‌کار می‌رود. این نوع جملات از نظر نحوی و ساخت‌واژی با دیگر انواع جملات که بیانگر یک موقعیت، درخواست یا پرسش هستند تفاوت دارند. اما همانند یک پرسش، درخواست و یا یک اظهارنظر از کنش منظوری برخوردارند (20: 1997).

درباره جمله تعجبی زبان فارسی امین‌مدنی می‌نویسد: «جمله تعجبی جمله‌ای است که تعجب، تمنا یا تأسف را می‌رساند. برای مثال: چه روز خوشی است امروز!» (۱۳۶۳: ۲۴۴). ماهوتیان نیز در مبحث جمله‌های کوتاه، درباره جمله‌های تعجبی می‌نویسد: «جمله‌های تعجبی و اصواتی معمولاً یک یا دو کلمه‌ای هستند و شگفتی، درد، افسوس و مفاهیمی از این‌دست را



بیان می‌کنند. برای نمونه: چه عجب! آخ! (۱۳۷۸: ۱۲۶-۱۲۷). ابوالقاسمی (۱۳۷۵: ۳۸۱) معتقد است جمله‌های تعجیبی زیرمجموعهٔ جمله‌های ساده هستند و با «چه» ساخته می‌شوند. در جمله‌های زیر «چه» قید، ضمیر و صفت واقع می‌شود و فعل جمله در آن‌ها اخباری است:

- چه (قید) خوش گفت دیوانهٔ مرغزی / حدیثی کز آن لب به دندان گزی

- چه (قید) ابلهانه برخورد کرد!

- چها (ضمیر) کرد! چها گفت!

- چه (صفت) برخورد ابلهانه‌ای کرد!

- این چه (صفت) حرامزاده مردمانند، سگ را گشاده‌اند و سنگ را بسته.

واژه‌های «چه» و «عجب» اگر همراه اسمی بیایند و تعجب را برسانند، صفت تعجیبی نامیده می‌شوند. از این کلمات مفاهیم کثرت، تحسین، شگفتی و شدت برمی‌آید و آهنگ جملهٔ آن‌ها تعجیبی است: چه خانه‌ای! چه حرفی زد! چه بچه‌هایی! (وحیدیان کامیار و عمرانی، ۱۳۸۲: ۷۰). وابسته‌های تعجیبی نظیر عجب، چه، چقدر و امثال آن‌ها همگی جزء وابسته‌های اسم به‌شمار می‌آیند (مشکوٰة‌الدینی، ۱۳۸۲: ۱۴۵). وابسته‌های تعجیبی کارکرد یکسان و مشابهی ندارند. برای نمونه، «چه» و «عجب»- که از وابسته‌های پیشین اسم هستند- به‌همراه اسم با نشانهٔ نکره به‌کار می‌روند؛ مانند چه روزی! عجب هوایی! (همان: ۱۵۵)؛ درحالی که در موارد دیگر این مسئله ضروری نیست. برخی از این وابسته‌ها پیش از اسم و گروهی پیش از صفت می‌آیند. علاوه‌بر این، با توجه به اینکه صفت بعد از آن‌ها برای توصیف یک موقعیت یا برای توصیف یک شخص به‌کار می‌رود، مسئله فرق می‌کند. با برخی از این وابسته‌ها می‌توان قید به‌کار برد؛ اما در برخی موارد امکان‌پذیر نیست. برای مثال:

- چه خوب!

- عجب خوب! (موقعیت)

- چه کتاب خوبی! / عجب کتاب خوبی!

- چه لوس! / عجب لوس! (شخص)

- چه احمقی! / عجب احمقی! (شخص)

- چه احمقانه! / عجب احمقانه!

- چه کار احمقانه‌ای! / عجب کار احمقانه‌ای!

- چه آدم احمقی رئیس ما شده! / عجب آدم احمقی رئیس ما شده!
- چه احمقی رئیس ما شده! / عجب احمقی رئیس ما شده!
- چه احمق رئیس ما شده! / عجب احمق رئیس ما شده.

#### ۲-۴. ویژگی جمله‌های تعجبی

به نظر می‌رسد ارائه ملاک‌های عینی و زبان‌شناختی برای تعریف جمله‌های تعجبی و تمایز آن‌ها از سایر جمله‌ها ضروری است. در مطالعات و پژوهش‌های موضوع مورد نظر ( Elliott, 1974; Grimshaw, 1979; Michaelis & Lambrecht, 1996; Zanuttini & Portner, 2000 & 2003) سه ویژگی اساسی برای جمله‌های تعجبی بیان شده است:

الف. داشتن حس تعجب و غیرمنتظره بودن؛

ب. امکان درونه‌ای شدن تنها در صورت وجود محمول (فعل) حقیقی؛

ج. به کار نرفتن آن‌ها در جفت‌های پرسش و پاسخ.

زانوتینی و پورتنر (2000) نیز دو ویژگی دیگر برای جمله‌های تعجبی برشمرده‌اند که عبارت‌اند از: حقیقی بودن<sup>۱۱</sup> و تلویحی مدرج بودن<sup>۱۲</sup>. در ادامه، هریک از موارد بالا به تفصیل توضیح داده و درباره زبان فارسی صحت‌سنجی می‌شود.

الف. داشتن حس تعجب و غیرمنتظره بودن: گروهی معتقدند جملات تعجبی در واقع واقعت غیرمنتظره‌ای را بیان می‌کنند. برای نمونه، زمانی که می‌گویید: «وای علی چقدر چاق است!» کلام شما بیانگر این است که شما اصلاً انتظار نداشته‌اید که علی تا آن حد چاق باشد؛ اما به نظر می‌رسد این موضوع همیشه صادق نیست. برای نمونه، عبارت‌های «چه شام خوشمزه‌ای پخته‌اید!» یا «چه خانه قشنگی دارید!» به هیچ‌وجه بیانگر این نیست که گوینده انتظار یک شام خوشمزه یا خانه خوب را نداشته است؛ بلکه گوینده در اینجا کیفیت شام یا خانه مورد نظر را با دیگر مواردی که تجربه کرده است (برای مثال شامی که در منزل دیگران میل کرده است) مقایسه و برتری آن را بر موارد دیگر بیان می‌کند. اما این بدان معنا نیست که او انتظاری کمتر از این داشته است. بنابراین، جملات تعجبی معنایی متفاوت با جملات خبری به شکل «(خیلی) غیرمنتظره بود که...» دارند. اگرچه جملات تعجبی نوعی غیرمنتظره بودن را تداعی می‌کنند، نیروی منظوری آن‌ها متفاوت است. جملات خبری این

اطلاعات را از طریق تصریح<sup>۱۳</sup> و جملات تعجیبی از طریق گسترش حوزه<sup>۱۴</sup> انجام می‌دهد.

ب. حقیقی بودن: در پژوهش‌های مرتبط با موضوع به‌شکل‌های مختلف به این مفهوم پرداخته شده است. مفهوم اصلی حقیقی بودن را پی. کیپارسکی و سی. کیپارسکی (1970) توضیح داده‌اند: «یک عملگر حقیقی این موضوع را از پیش‌انگاری می‌کند که جمله درونه‌ای، یک گزاره درست را بیان می‌کند و درباره گزاره مورد نظر اظهار نظر می‌کند». الیوت (1974) می‌گوید جمله‌های تعجیبی ذاتاً حقیقی هستند؛ به همین دلیل فقط می‌توانند با محمول‌های حقیقی (فعل حقیقی یا واقعیت‌نما) بیابند. منظور از اینکه جمله‌های تعجیبی حقیقی هستند این است که آن‌ها محتوای گزاره‌ای خود را از پیش‌انگاری می‌کنند. این مسئله به دو ویژگی منجر می‌شود که برای تمایز تعجیبی‌ها از پرسشی‌ها کاربرد دارد. اول اینکه، جملات تعجیبی فقط می‌توانند با داشتن محمول حقیقی درونه‌ای<sup>۱۵</sup> شوند؛ برای نمونه:

- مریم می‌دونه که چقدر اونا مردمان حقیر و پست و زبونی هستند!

-  $\neg$ مریم از من پرسید که چقدر اونا مردمان حقیر و پست و زبونی هستند!

دوم اینکه هرگز نمی‌توان افعالی مانند دانستن، تشخیص دادن و امثال آن را- اگر زمان آن‌ها حال و فاعل آن‌ها اول‌شخص باشد و همچنین یک جمله تعجیبی را در خود جای داده باشد- منفی کرد. اما این مسئله درباره پرسشی‌ها امکان‌پذیر است (Elliott, 1974; Grimshaw, ) 283: (1979); برای نمونه:

-  $\neg$ من نمی‌دونم که چقدر اونا مردمان حقیر و پست و زبونی هستند!

منفی کردن عبارت «من می‌دانم...» در مثال بالا دانش گوینده درباره محتوای گزاره‌ای را نفی می‌کند و این موضوع با این واقعیت که محتوای گزاره‌ای مورد نظر از پیش انگاشته شده است، در تناقض است. اما اگر زمان فعل مورد نظر حال نباشد و فاعل نیز شخصی به‌جز اول‌شخص باشد، این مسئله منتفی است؛ برای مثال:

-مریم نمی‌دونه که چقدر علی قدبلنده!

در این مورد بین فقدان دانش مریم و از پیش‌انگاری گوینده درباره اینکه او خیلی بلند است، هیچ تناقضی وجود ندارد.

ج. تلویحی مدرج بودن: ویژگی دیگری که با عنوان تلویحی مدرج مطرح است، با این شمّ زبانی مرتبط است که چیزی به‌شیوه‌ای خاص تعجب‌آور یا برجسته و قابل ملاحظه است.

گروهی معتقدند این جملات این واقعیت را بیان می‌کنند که یک چیز دارای ویژگی‌ای است که در نهایت یک پیوستار درجه‌ای قرار دارد (Milner, 1978; Gerard- Naef, 1980). برای مثال، عبارت «چقدر علی چاق است!» می‌گوید علی دارای ویژگی چاقی است که در بالاترین حد خود قرار دارد. جملات تعجبی بیانگر یک تلویحی مدرج قراردادی هستند و گزاره‌ای که آن‌ها به ذهن متبادر می‌کنند، در منتهی‌الیه یک مقیاس بافتی قرار دارد. این بعد معنایی به این دلیل تلویحی نامیده می‌شود که فراتر از معنای منطقی (شرط صدق) جمله است. این موارد تلویحی قراردادی هستند نه تلویحی کلامی و گفتمانی؛ زیرا آن‌ها دارای دو ویژگی غیرقابل فسخ شدن و قابل تفکیک شدن هستند. جمله‌های تعجبی بیانگر این موضوع هستند که واقعیتی که بیان می‌کنند تاحدی حیرت‌آور یا قابل توجه است. به عبارت دقیق‌تر، آن‌ها بیانگر یک تلویحی قراردادی برپایه یک مقیاس گزاره‌ای بافتی هستند؛ به شکلی که یک از پیش‌انگاری درست و صادق بالاترین درجه این مقیاس را به خود اختصاص می‌دهد. این واقعیت که محتوای معنایی مورد نظر یک تلویحی است و بخشی از آنچه که جمله اظهار می‌کند نیست، دو نتیجه به‌همراه دارد که می‌تواند آزمونی باشد برای اثبات اینکه یک جمله تعجبی است: اول اینکه اگر جمله تعجبی درون جمله‌ای با محمولی نظیر متحیر کردن و مبهوت کردن درونه‌ای شود، محمول مورد نظر نمی‌تواند منفی شود. دلیل آن فقط این نیست که جمله‌های حامل یک جمله تعجبی درونه‌ای شده را نمی‌توان منفی کرد؛ زیرا جمله زیر صحیح است:

- اون نمی‌دونه که چقدر علی بامزه است!

اما جمله زیر نادرست است؛ زیرا در آن تلاش می‌شود تا «متحیر شدن» یا درجه کیفیت (میزان بامزگی او) منفی شود؛ درحالی که تلویحی‌های قراردادی هرگز فسخ‌کردنی نیستند و نتیجه مورد نظر متناقض است:

- ✗ این تعجب‌آور نیست که چقدر علی بامزه است.

نتیجه دوم این است که نمی‌توان تلویحی مدرج را سؤالی کرد:

- آیا این تعجب‌آور است که چقدر علی بامزه است؟

علت نادرستی جمله بالا این است که سؤالی کردن محمول اصلی برابر با سؤالی کردن خود تلویحی مدرج است.

د. رابطه پرسش و پاسخ: در مقایسه با جمله‌های خبری و پرسشی، در رابطه با جفت‌های



پرسشی- پاسخی، جمله‌های تعجیبی محدودیت‌های بیشتری دارند. برخلاف پرسشی‌ها، جمله‌های تعجیبی را نمی‌توان سؤالی کرد (Zanuttini & Portner, 2000). قابلیت پاسخ‌دهی نیز از مشخصات پرسشی‌هاست؛ برای مثال:

- الف: قدش چقدره (چقدر قدش)؟

- ب: یک متر و هشتاد.

- الف: چقدر (قد) بلنده!

- ب:  $\text{چ}$  یک متر و هشتاد. / اون واقعاً بلنده! / واقعاً! / نه اون قدر نیست!

در نمونه اول، پرسش شخص «الف» مجموعه‌ای از پاسخ‌های محتمل را فراهم می‌آورد و جواب فرد «ب» به دلیل اینکه یکی از احتمالات این مجموعه است، پاسخی به سؤال مورد نظر محسوب می‌شود. اما در نمونه دوم، جواب «ب» موافقت یا مخالفت را بیان می‌کند. تفاوت معنایی بین تعجیبی‌ها و پرسشی‌ها در نمونه‌های زیر مشاهده می‌شود:

- قدش چقدره؟ یک متر و هفتاد یا یک متر و هشتاد؟

- چقدر قد بلنده!  $\text{چ}$  یک متر و هفتاد یا یک متر و هشتاد؟

عبارت «یک متر و هفتاد یا یک متر و هشتاد؟» گویای این است که مجموعه‌ای از پاسخ‌های محتمل به درون گفتمان معرفی، و از بین آن‌ها دو عدد انتخاب شده است.

دربارۀ تمایز میان جمله‌های خبری و تعجیبی می‌توان گفت از جمله‌های تعجیبی برای پاسخ به جمله‌های پرسشی دارای پرسش‌واژه<sup>۱۶</sup> نمی‌توان استفاده کرد (Grimshaw, 1979: 321).

- الف: قد پسر علی چقدره؟

- ب:  $\text{چ}$  چقدر قد بلنده!

سؤال فرد «الف» نیازمند پاسخی است که در آن درجاتی از بلندی مشخص شود؛ پس تعجیبی‌ها نمی‌توانند پاسخ مناسبی باشند؛ اگرچه در مواردی تعجیبی‌ها می‌توانند برای پرسش‌های نفی و اثباتی<sup>۱۷</sup> پاسخ مناسبی به‌شمار آیند (McCawley, 1973)؛ برای مثال:

- الف: پسر علی قد بلنده؟

- ب: خیلی بلنده!



### ۳-۴. انواع جمله‌های تعجبی

جمله‌های تعجبی در زبان فارسی طیف وسیعی از احساسات و هیجان‌ها را دربرمی‌گیرند. به‌همین دلیل، این جمله‌ها از صورت و ساختارهای متعددی برخوردارند و همین امر باعث می‌شود مطالعه آن‌ها تا حدی دشوار شود. با توجه به محدودیت‌های موجود، در این بخش به توصیف معمول‌ترین روش‌هایی می‌پردازیم که جمله‌های تعجبی در زبان فارسی شکل می‌گیرند. در زبان فارسی، تعجبی-های خبری<sup>۱۸</sup> و تعجبی‌های پرسش‌واژه‌ای<sup>۱۹</sup> دو نوع اصلی جمله‌های تعجبی را تشکیل می‌دهند.

**الف. جمله‌های تعجبی خبری:** در زبان فارسی، گوینده از این امکان برخوردار است که با

استفاده از جمله خبری تعجب خود را نشان دهد؛ برای مثال:

- واقعاً زیبا است!

- معرکه است، پسر!

- خیلی زیبا اوبوا می‌زنی!

**ب. جمله‌های تعجبی پرسش‌واژه‌ای:** یکی از روش‌های ساخت جمله‌های تعجبی در زبان

فارسی این است که در آن‌ها عبارتهای «چه» و «چقدر» در جایگاه عبارتهای پرسشی<sup>۲۰</sup> قرار می‌گیرند. وجه اشتراک این موارد در این است که در آن‌ها عناصر پرسشی متناظر با عنصری هستند که گوینده تعجب و حیرت خود را درباره آن‌ها نشان می‌دهد. به‌لحاظ شباهت ساختاری صوری، به این موارد تعجبی‌های پرسش‌واژه‌ای می‌گویند. علاوه بر این، این امکان برای گوینده هست تا حیرت خود را درباره کل گزاره نشان دهد که به آن‌ها تعجبی‌های نفی و اثباتی<sup>۲۱</sup> می‌گویند. در این موارد، صدق کل گزاره و نه ارزش یک گروه خاص مورد تعجب قرار می‌گیرد. اگرچه جمله‌های تعجبی پرسش‌واژه‌ای دارای ساختار پرسشی هستند و به‌عبارتی دارای پرسش‌واژه هستند، از نظر عملکرد و نقش گفتمانی با جملات پرسشی تفاوت دارند. جملات پرسشی می‌توانند برای کسب اطلاعات پرسیده شوند؛ اما جملات تعجبی چنین نقشی ندارند. عملگر Wh در جملات تعجبی پرسش‌واژه‌ای را می‌توان یک عملگر درجه‌ای<sup>۲۲</sup> دانست (Gutiérrez-

Rexach, 1996). در این جملات، معمولاً یک قید- که فعل جمله را مقید می‌کند- یا یک گروه اسمی

بعد از این عملگر پرسش‌واژه‌ای قرار می‌گیرد؛ برای مثال:

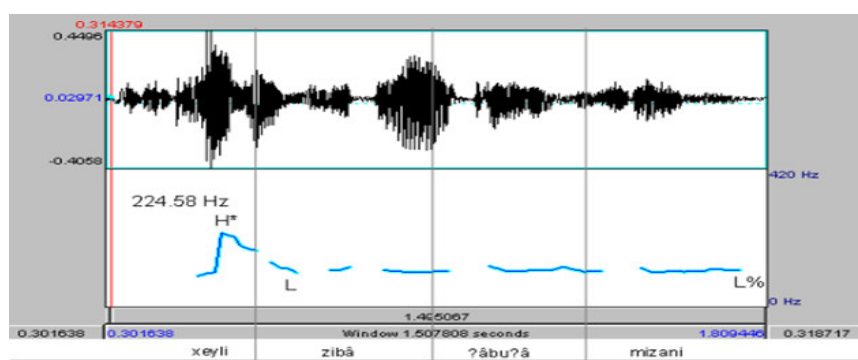
- چقدر احمق بودم که اون‌رو بهش نشون دادم!



- مامان، حاج‌خانم چقدر پول داره، قد یه بانک!

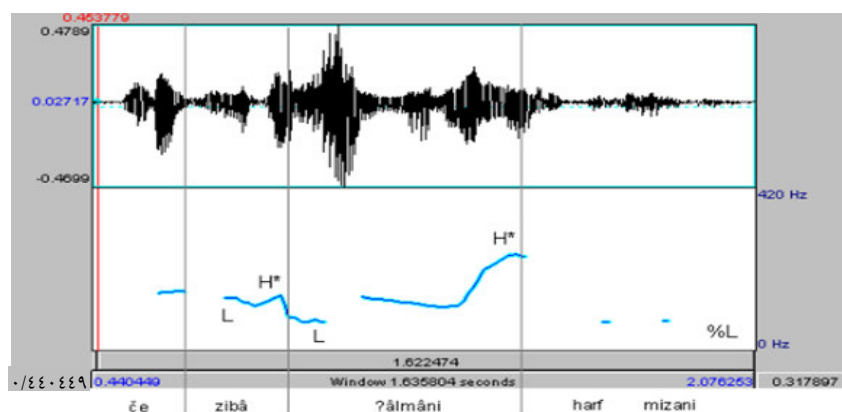
- چه زیبا آلمانی حرف می‌زنی!

تمایز میان این دو نوع جمله تعجیبی با بررسی ویژگی‌های آکوستیکی نیز مشخص می‌شود. این ویژگی‌های آکوستیکی تمایز میان جمله‌های پرسشی و خبری را با این نوع جمله‌ها نشان می‌دهد. شکل شماره ۱ یک منحنی آهنگ<sup>۳۳</sup> (زیر و بمی) جمله تعجیبی خبری را نشان می‌دهد. زیر و بمی اولین گروه قیدی که معمولاً یک قید است (این قید یک صفت، قید یا گروه اسمی را که بلافاصله پس از آن می‌آید، تعریف می‌کند) به صورت  $H^*$  نشان داده شده است؛ به این معنا که صدای گوینده ناگهان از کمترین حد فرکانس به بیشترین حد خود می‌رسد (در اینجا حدود ۲۲۴ هرتز). همان‌طور که مشاهده می‌شود، در تمام طول جمله فرایند حذف تکیه<sup>۳۴</sup> (تکیه‌زدایی) صورت می‌گیرد تا اینکه هجای آخر با  $L\%$  ترکیب می‌شود. پدیده تکیه‌زدایی در جملات خبری زبان فارسی پدیده نادری نیست. اما به نظر می‌رسد در بقیه موارد، اولین گروه قیدی همیشه به صورت  $L+H^*$  مشخص می‌شود که در زبان فارسی همان تکیه زیر و بمی یا تکیه ارتفاع<sup>۳۵</sup> پیش‌فرض است (در مواردی که کانون<sup>۳۶</sup> در جملات غیرتعجیبی در اولین گروه قیدی قرار می‌گیرد). مدت زمان و ارزش نسبی فرکانس  $H^*$  نیز نشانه بسیار خوبی است (البته این موارد به گوینده وابسته است و نمی‌توان یک ارزش مطلق برای آن در نظر گرفت). با این روش می‌توان جمله‌های تعجیبی را از خبری متمایز کرد.



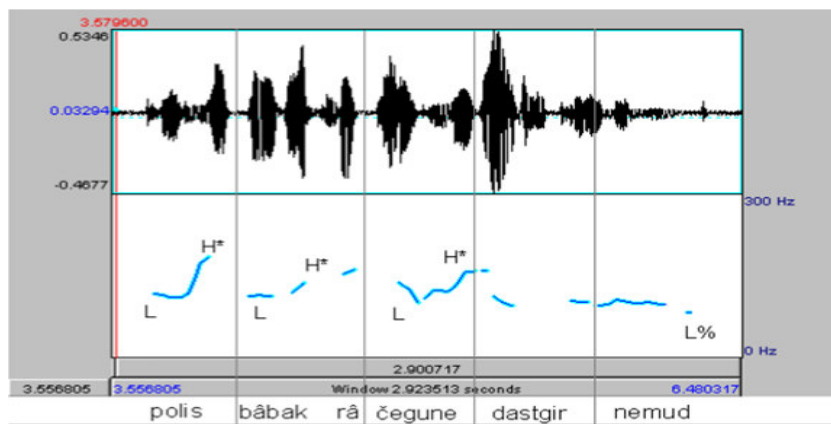
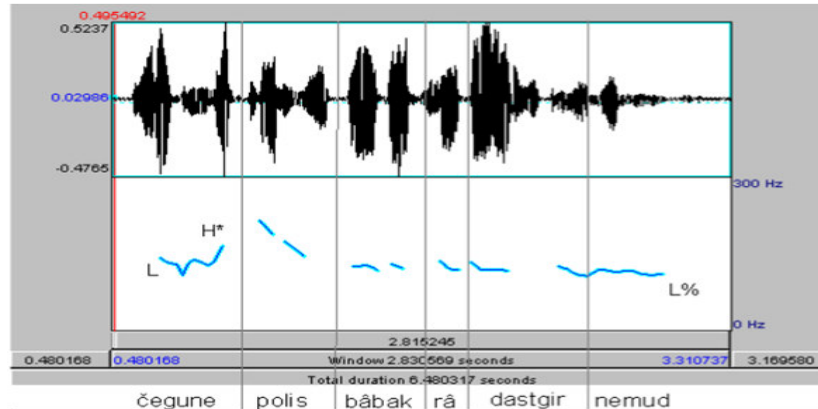
شکل ۱ منحنی آهنگ جمله تعجیبی خبری

در جمله‌های تعجبی پرسش‌واژه‌ای، پرسش‌واژه به هیچ‌وجه برجسته نمی‌شود و قید یا گروه اسمی مرکز این ارتفاع (زیر و بمی) را به خود اختصاص می‌دهد و بقیه جمله تا پایان بدون تکیه می‌شود. برای نمونه، در جمله «چه زیبا آلمانی حرف می‌زنی!» دو احتمال هست: یا کلمه «زیبا» تکیه ارتفاع اصلی را به خود اختصاص می‌دهد یا کلمه «آلمانی». در این موارد واژه‌ای که کانونی شده، دارای مدت زمان یا دیرش بیش از اندازه است. شکل شماره ۲ نمودار این جمله را نشان می‌دهد.



شکل ۲ منحنی آهنگ جمله تعجبی پرسش‌واژه‌ای

اما در جمله‌های پرسشی در محلی که پرسش‌واژه قرار می‌گیرد، ارتفاع/ زیر و بمی روی هجای تکیه‌بر پرسش‌واژه افزایش می‌یابد. زمانی‌که پرسش‌واژه در آغاز جمله قرار می‌گیرد، بقیه جمله بدون تکیه می‌شود؛ اما در مواردی که پرسش‌واژه در قسمت‌های دیگر جمله قرار می‌گیرد، گروه‌های قبل از پرسش‌واژه تکیه زیر و بمی اصلی خود را حفظ می‌کنند و آنچه بعد از پرسش‌واژه می‌آید، تکیه خود را از دست می‌دهد (شکل ۳).



شکل ۳ از دست دادن ارتفاع زیر و بمی بعد از پرسش‌واژه در جمله‌های پرسشی  
\* کلمات قبل از پرسش‌واژه ارتفاع زیر و بمی اصلی خود را حفظ می‌کنند.

#### ۴-۴. بررسی جمله‌های تعجیبی از نظر نحوی

از آنجا که هدف این پژوهش توصیف و توضیح ویژگی‌های آوایی، معنایی و کاربردشناختی جملات تعجیبی در زبان فارسی امروزی است، از ورود به بحث ماهیت دستوری این جمله‌ها خودداری می‌کنیم و فقط نگاهی اجمالی به آن خواهیم داشت. دو ویژگی نحوی زیر را- هریک دارای زیربخش‌های مختلفی است- می‌توان برای تعریف طبقه تعجیبی‌ها در نظر گرفت:

- الف. جمله‌های تعجبی دارای ساختار متغیر عملگر Wh هستند.
- ب. جمله‌های تعجبی دارای یک تکواژ انتزاعی در حوزه CP خود هستند.
- این دو ویژگی جمله‌های تعجبی را مشخصه‌بندی می‌کنند؛ زیرا آن‌ها دو مؤلفه معنایی اساسی را به معنای عبارت‌های تعجبی می‌افزایند.
۱. تعجبی‌ها مجموعه‌ای از گزاره‌های جایگزین را ارائه می‌کنند که این امر ناشی از ساختار متغیر عملگر آن‌هاست.
  ۲. تعجبی‌ها حقیقی هستند؛ یعنی محتوای گزاره‌ای خود را از پیش‌انگاری می‌کنند. این از پیش‌انگاری ناشی از یک تکواژ انتزاعی است.
- تعجبی‌ها دامنه یا حوزه تعریف عملگر پرسش‌واژه را گسترش می‌دهند. این امر موجب افزایش تعداد گزاره‌های جایگزینی می‌شود که یک جمله ارائه می‌کند. ویژگی گسترش این امکان را فراهم می‌کند که بتوانیم جنبه‌های معنایی عبارت‌های تعجبی را که با عنوان حس تعجب، غیرمنتظره بودن و نهایت درجه مطرح می‌شوند، به خوبی درک کنیم. مبحث گسترش به‌طور مستقیم در زیرمجموعه نحوه مطرح نمی‌شود؛ زیرا بیشتر بر استدلال‌های کاربردی شناختی استوار است.

#### ۴-۵. بررسی جمله‌های تعجبی از نظر معنایی

نخست باید بین جمله‌های تعجبی که به‌صورت جمله خبری ساخته می‌شوند و مواردی که با جمله‌های پرسش‌واژه‌ای ساخته می‌شوند، تمایز قائل شویم. این تمایز براساس ملاحظات تجربی صورت می‌گیرد. در گذشته، معنای جملات تعجبی پرسش‌واژه‌ای از معنای جملات پرسشی گرفته می‌شد (Zanutini & Portner, 2003). اما برخی محققان (Villalba, 2003; Castroviejo Miró, 2006; Rett, 2008) بر بعضی ویژگی‌های مهم جملات تعجبی که آن‌ها را به عبارت‌های درجه‌ای مرتبط می‌کنند، تمرکز کرده‌اند. به این ترتیب، شاید بتوان جملات تعجبی را معادل عبارت‌هایی با درجه بسیار بالا در نظر گرفت. شواهد حاکی از آن است که دو محدودیت معنایی بر نوع دوم جملات تعجبی، یعنی جمله‌های تعجبی پرسش‌واژه‌ای حاکم است که بر نوع اول اعمال نمی‌شود. این محدودیت‌ها عبارت‌اند از: محدودیت درجه‌ای<sup>۲۷</sup> و محدودیت ارزیابی<sup>۲۸</sup> (Rett, 2008). پاره‌گفتار تعجبی خبری زمانی به‌درستی بیان می‌شود که

محتوای آن برجسته باشد و گوینده این محتوا را حیرت‌آور بداند. اما دربارهٔ جملات تعجیبی با جمله‌های پرسش‌واژه‌ای، علاوه‌بر شرایط یادشده، محتوای جمله باید درجه‌پذیر باشد (محدودیت درجه‌پذیری) و این مرتبه باید از حدّ استاندارد و معمول فراتر رود (محدودیت ارزیابی). دلیل این تفاوت این است که این دو نوع جملهٔ تعجیبی توسط عملگرهایی با کنش منظوری متفاوت بیان می‌شوند. این عملگرها حوزه‌های متفاوتی دارند (یکی عملکرد گزاره‌ای دارد و دیگری دارای درجه است)؛ اما دارای ارزش یکسانی هستند (هر دو برای تعجب به‌کار می‌روند). برای نمونه، دربارهٔ محدودیت درجه‌پذیری جمله‌های زیر را در نظر بگیرید:

الف. علی به شش زبان حرف می‌زنه!

ب. چه زبان‌هایی علی حرف می‌زنه!

در جملهٔ «ب» گویی بحث مقدار و کمیّت مطرح است و پرسش‌واژهٔ آن (چه) خوانش مقداری دارد؛ اگرچه به‌ظاهر از نظر ساخت‌واژی، عبارتی که به‌طور آشکار این درجه را نشان دهد وجود ندارد. دربارهٔ محدودیت ارزیابی نیز می‌توان این سناریو را مطرح کرد: دوست شما و همسرش کوتاه‌قد هستند و شما انتظار دارید فرزند آن‌ها هم کوتاه‌قد باشد؛ برای مثال قدش ۱۲۰ سانتی‌متر باشد؛ ولی وقتی او را می‌بینید متوجه می‌شوید که او ۱۵۰ سانتی‌متر قد دارد. در این مورد شما نمی‌توانید بگویید «وای چه پسر بلندقدی!»؛ زیرا او در واقعیت جهان خارج فرد بلندقدی نیست. پس محتوای جملات تعجیبی همراه پرسش‌واژه، دربارهٔ میزان و درجه‌ای است که از استاندارد بافتی مرتبط با آن سرباز می‌زند.

محتوای معنایی جملهٔ تعجیبی با جملهٔ خبری متفاوت است. در جملهٔ خبری محتوای معنایی یک گزاره است و کنش منظوری آن یک اظهارنظر است. در این موارد گوینده می‌خواهد گزاره‌ای را که می‌پندارد صادق است به مخاطب منتقل کند. جملات تعجیبی نیز دارای محتوا هستند و گوینده این محتوای معنایی را باور دارد و می‌خواهد حیرت‌آور بودن آن را به مخاطب منتقل کند. کاپلان<sup>۲۹</sup> (1999) معتقد است درست یا نادرست بودن اظهارنظر به‌شیوهٔ توصیفی مشخص می‌شود؛ درحالی که درست یا نادرست بودن جملهٔ تعجیبی براساس اینکه بتواند منظور را برساند یا نه و- به عبارت دیگر- بتواند افادهٔ معنا کند، مشخص می‌شود.

#### ۴-۶. بررسی جمله‌های تعجبی از نظر کاربردشناختی

تفاوت اصلی بین جمله‌های تعجبی خبری و جمله‌های تعجبی پرسش‌واژه‌ای یا درجه‌ای به ازپیش-انگاری آن‌ها مربوط می‌شود. در جملات تعجبی درجه‌ای، محتوا بخشی از وجه مشترک است؛ یعنی توسط گوینده و مخاطب ازپیش‌انگاری می‌شود. اما در جملات تعجبی خبری، محتوا فقط توسط گوینده ازپیش‌انگاری می‌شود و در این موارد مخاطب مجبور است اطلاعات جدید را با آن منطبق کند. این مسئله به‌خوبی نشان می‌دهد که چرا تعجبی‌های خبری یا گزاره‌ای می‌توانند مانند پاسخی برای یک پرسش عمل کنند. رت (2008) می‌گوید دلیلش این است که آن‌ها اطلاعاتی را درباره‌ی شخص یا چیزی بیان می‌کنند؛ درحالی که جمله‌های تعجبی پرسش‌واژه‌ای با خوانش درجه‌ای فاقد این توانایی هستند و نمی‌توانند به‌عنوان پاسخ یک پرسش به‌کار روند.

#### ۴-۷. رابطه‌ی بین جملات تعجبی با عنصر نفی

درباره‌ی عنصر نفی نیز بین این دو گروه از جمله‌های تعجبی تفاوت اساسی هست. جملات تعجبی خبری می‌توانند نفی بیرونی<sup>۳۰</sup> داشته باشند؛ درحالی که تعجبی‌های درجه‌ای فاقد این ویژگی‌اند؛ برای مثال:

- تو امتحان فیزیک تو پاس نکردی!

- چقدر اون بلند نیست!

- چه خوشگل نشده بود!

در جمله‌های تعجبی درجه‌ای اگر عنصر نفی حضور داشته باشد، این عنصر به‌صورت یک عنصر پرکننده<sup>۳۱</sup> عمل می‌کند و درواقع بر تفسیر کل جمله هیچ تأثیری ندارد. به عبارت دیگر، جمله‌ی زیر با عنصر نفی یا بدون آن معنای یکسانی دارد:

- چه دروغ‌هایی علی به ما گفت!

- چه دروغ‌هایی که علی به ما نگفت!

- چه حرف‌های بدی زد.

- چه حرف‌های بدی که نزد.

شاهد دیگر این مدعا که ویژگی کانونی نفی تاحدی تغییر پیدا کرده، این واقعیت است که



عناصر قطبی منفی<sup>۳۲</sup> در این ساختارها مجاز نیستند:

- ❦ چیزهای مزخرفی که نگفت!

کاستروویو میرو (2006) در توضیح این مسئله می‌گوید دامنه عملگر درجه در این ساختارها دامنه عنصر نفی را نیز دربرمی‌گیرد. به عبارت دیگر، نگرش گوینده به سوی بیشترین درجه است؛ اما عملگر نفی ثابت می‌کند چنین درجه بالایی وجود ندارد؛ برای نمونه:

- ❦ چه پسر باهوشی نیست!

- ❦ چه حرف‌های بدی نزد!

#### ۴-۸. رابطه بین جملات تعجیبی و ساختارهای مقایسه‌ای

جمله‌های تعجیبی خبری می‌توانند ساختارهای مقایسه‌ای را شکل بدهند؛ درحالی که تعجیبی‌های درجه‌ای فاقد این ویژگی‌اند؛ برای نمونه:

- اون به خوش‌تیپی باباشه!

- ❦ چقدر اون به خوش‌تیپی پدرشه!

با توجه به منافات بین جمله‌های تعجیبی درجه‌ای و جمله‌های مقایسه‌ای، کاستروویو میرو (2006) می‌گوید منافات این دو به این دلیل است که جملات تعجیبی نیاز دارند تا درجه مربوطه در بالاترین حد خود در مقیاس مورد نظر قرار داشته باشد و در این موارد مقایسه بین دو نفر صورت نمی‌گیرد؛ بلکه بین درجات استاندارد که برای یک فرد به کار می‌رود، برقرار می‌شود. از سوی دیگر، جمله‌های تعجیبی گزاره‌ای با جمله‌های مقایسه‌ای قابل قیاس‌اند؛ زیرا آنچه نگرش احساسی را تحریک می‌کند، بحث بالاترین درجه نیست.

#### ۵. نتیجه‌گیری

در این تحقیق تلاش شد تا با ارائه ملاک‌های عینی و زبان‌شناختی برای تعریف جمله‌های تعجیبی و تمایز آن‌ها از سایر جمله‌ها، افق جدیدی در مطالعه این نوع جمله‌ها در زبان فارسی معرفی شود. از آنجا که تاکنون درباره جمله‌های تعجیبی زبان فارسی هیچ مطالعه زبان‌شناختی انجام نشده است، تحقیق حاضر می‌تواند افق جدیدی را فراروی پژوهشگران



بگشاید. بررسی ۱۰ هزار جملهٔ تعجبی که به شیوهٔ پیکره‌بنیاد گردآوری شده بود، نشان داد در زبان فارسی تعجبی‌های خبری و تعجبی‌های پرسش‌واژه‌ای دو نوع اصلی جملات تعجبی را تشکیل می‌دهند که دارای وجوه تشابه و تمایزی با یکدیگر هستند. تمایز میان این دو نوع جملهٔ تعجبی با بررسی ویژگی‌های معنایی، کاربردشناختی، آکوستیکی و نحوی این جملات و همچنین مقایسهٔ رفتار آن‌ها در رابطه با فرایند منفی‌سازی و ساخت‌های مقایسه‌ای امکان‌پذیر است. برخی از این نتایج عبارت‌اند از:

- داشتن حس تعجب و غیرمنتظره بودن - برخلاف آنچه گفته می‌شود - شرط لازم برای جملات تعجبی نیست.
- در مواردی که جملات تعجبی نوعی غیرمنتظره بودن را تداعی می‌کنند، این اطلاعات را از طریق گسترش حوزه انجام می‌دهد.
- از نظر آکوستیکی، در جملهٔ تعجبی خبری، زیر و بمی اولین گروه قیدی - که معمولاً یک قید است - به صورت  $H^*$  نشان داده می‌شود و در تمام طول جمله فرایند حذف تکیه (تکیه‌زدایی) صورت می‌گیرد تا اینکه هجای آخر با  $L\%$  ترکیب می‌شود. در جملات تعجبی پرسش‌واژه‌ای، پرسش‌واژه هرگز برجسته نمی‌شود و قید یا گروه اسمی مرکز این ارتفاع (زیر و بمی) را به خود اختصاص می‌دهد و بقیهٔ جمله تا انتها بدون تکیه می‌شود.
- از نظر معناشناختی، دو محدودیت معنایی یعنی محدودیت درجه‌ای و محدودیت ارزیابی بر جمله‌های تعجبی پرسش‌واژه‌ای (درجه‌ای) زبان فارسی حاکم است که بر جمله‌های تعجبی خبری اعمال نمی‌شود.
- از نظر کاربردشناختی، در جمله‌های تعجبی درجه‌ای، محتوا بخشی از وجه مشترک است؛ یعنی توسط گوینده و مخاطب از پیش‌انگاری می‌شود؛ اما در جمله‌های تعجبی خبری، محتوا فقط توسط گوینده از پیش‌انگاری می‌شود.
- جمله‌های تعجبی خبری در زبان فارسی می‌توانند نفی بیرونی داشته باشند؛ درحالی که تعجبی‌های درجه‌ای فاقد این ویژگی‌اند.
- جمله‌های تعجبی خبری در زبان فارسی می‌توانند ساختارهای مقایسه‌ای را شکل دهند؛ اما تعجبی‌های درجه‌ای فاقد این ویژگی‌اند.



## ۶. پی‌نوشت‌ها

1. Milner
2. Gerard-Naef
3. Obenauer
4. Bosque
5. Radford
6. Beninca
7. Zanuttini and Portner
8. Castroviejo Miró
9. Rett
10. Matthews
11. factivity
12. scalar implicature
13. assertion
14. widening
15. embedded
16. wh question
17. Yes/ No question
18. sentence exclamation/ declarative exclamation/ proposition exclamation
19. wh exclamation/ exclamative
20. wh position
21. Yes/ No exclamatives
22. degree operator
23. pitch contour
24. deaccenting
25. pitch accent
26. focus
27. degree restriction
28. evaluative restriction
29. Kaplan
30. external negation
31. filler
32. negative polarity items (NPIs)

## ۷. منابع

- ابوالقاسمی، محسن (۱۳۷۵). *دستور تاریخی زبان فارسی*. تهران: سمت.
- امین‌مدنی، صادق (۱۳۶۳). *دستور زبان فارسی*. تهران: چاپخانه ۱۷ شهریور.

- شریفی، شهلا، پهلوان‌نژاد، محمدرضا و آزادمنش، مهناز. (۱۳۹۱). «بررسی و مقایسه عوامل دخیل در معناداری و کارکرد پاره‌گفتارهای واکنشی در گفت‌وگوهای فارسی». *فصلنامه جستارهای زبانی (پژوهش‌های زبان و ادبیات تطبیقی سابق)*. ۳. د. ش ۲. صص ۸۵-۱۱۲.
- ماهوتیان، شهرزاد (۱۳۷۸). *دستور زبان فارسی از دیدگاه رده‌شناسی*. تهران: نشر مرکز.
- مشکوة‌الدینی، مهدی (۱۳۸۲). *دستور زبان فارسی برپایه نظریه گشتاری*. چ ۳. مشهد: انتشارات دانشگاه فردوسی مشهد.
- وحیدیان‌کامیار، تقی و غلامرضا عمرانی (۱۳۸۲). *دستور زبان فارسی (۱)*. چ ۴. تهران: سمت.
- Castroviejo Miró, E. (2006). *Wh-Exclamatives in Catalan*. Doctoral Dissertation. Spain: University of Barcelona.
- \_\_\_\_\_ (2007). "A Degree-based Account of Wh-Exclamatives in Catalan" in M. Puig-Wald (Ed.). *Proceedings of Sinn und Bedeutung. 11*. Pp. 134-149. Barcelona.
- \_\_\_\_\_ (2008). "What Does it Take to Embed an Exclamative?" Talk Given at University of Konstanz.
- Crystal, D. (2008). *A Dictionary of Linguistics and Phonetics*. 6<sup>nd</sup> Edition. Blackwell: Oxford.
- Elliott, D. (1974). "Towards a Grammar of Exclamations". *Foundations of Language. No. 11*. Pp. 231-246.
- Espinal, M.T. (1997). "Non-Negative Negation and Wh-Exclamatives" in D. Forget, P. Hirschbühler, F. Martineau & M. Luisa Rivero (Eds.). *Negation and Polarity: Syntax and Semantics*. Amsterdam/ Philadelphia: John Benjamins. Pp. 79-93.
- Gerard-Naef, A. (1980). *L'Exclamation en Francais la Syntaxe des Phrases et*



*des Expressions Exclamatives*. Max: Tübingen Niemeyer.

- Grimshaw, J. (1979). "Complement Selection and the Lexicon". *Linguistic Inquiry*. No. 10 (2). Pp. 279-326.
- Gutiérrez-Rexach, J. (1996). "The Semantics of Exclamatives" in E. Garrett & F. Lee (Eds.). *Syntax at Sunset*. Los Angeles: UCLA. Pp. 146-162.
- Kaplan, D. (1999). "The Meaning of 'Ouch' and 'Oops'" Presented at *The Cornell Conference on Context Dependency*.
- Kiparsky, P. & C. Kiparsky (1970). "Fact" in M. Bierwisch & K.E. Erich Heidolph (Eds.). *Progress in Linguistics*. The Hague: Mouton de Gruyter. Pp. 143-173.
- McCawley, N. (1973). "Boy! Is Syntax easy?". *Proceedings of the Ninth Regional Meeting of the Chicago Linguistics Society*. Pp. 369-377.
- Matthews, P.H. (1997). *The Concise Oxford Dictionary of Linguistics*. Oxford-New York: Oxford University Press.
- Michaelis, L. & K. Lambrecht (1996). "The Exclamative Sentence Type in English" in A. Goldberg (Ed.). *Conceptual Structure, Discourse and Language*. Stanford-CA: CSLI. Pp. 375-389.
- Milner, J.C. (1978). *De la Syntaxe a l'interpretation*. Paris: Seuil.
- Obenauer, H.G. (1994). *Aspects de la Syntaxe A-barre: Effets D'intervention et Mouvements des Quantifieurs*. Paris: University of Paris.
- Oda, T. (2003). "WH-Movement of Exclamatives" in N.K. Nanzan (Ed.). *Nanzan Studies in Japanese Language Education*. Japan: Nanzan University. Pp. 58-123.
- Rett, J. (2008). *Degree Modification in Natural Language*. Doctoral Dissertation, Rutgers.
- Villalba, X. (2003). "An Exceptional Exclamative Sentence Type in Romance". *Lingua*. No. 113. Pp. 713-745.
- Zanuttini, R. & P. Portner (2000). "The Characterization of Exclamative Clauses

in Paduan". *Language. No. 76 (1)*. Pp. 123-132.

- \_\_\_\_\_ (2003). "Exclamative Clauses: At the Syntax-semantics Interface". *Language. No. 79 (1)*. Pp. 39-81.

#### **Translated Resources:**

- Abolghasemi, M. (1996). *A Historical Grammar of the Persian Language*. Tehran: SAMT [In Persian].
- Amin-Madani, S. (1984). *Persian Language Grammar*. Tehran: 17 Shahrivar Publication [In Persian].
- Mahootian, S. (1997). *Persian Language Grammar From Typology Views*. Tehran: Nashr-e-Markaz [In Persian].
- Meshkato-Dini, M. (2003). *Persian Grammar*. Mashhad: Ferdowsi University of Mashhad Publishing [In Persian].
- Sharifi, Shahla, M. R. Pahlavannezhad & M. Azadmanesh (2012). "A Survey and Comparison on Verbal Back Channel Signals in Persian Conversation". *Journal of Language Related Research (Former Comparative Language and Literature Research)*. 3(1): Pp. 85-112 [In Persian].
- Vahidiyan-Kamyar, T. & Gh. R. Omrani (2004). *Persian Language Grammar (Dastur-e zabān-e Fārsi)*. (Vol. 1). Tehran: SAMT [In Persian].